



امین الله امینی

# مشارکت عادلانه در اندیشه شهید مزاری

سیاسی اسلام نیز عدالت اجتماعی از جایگاه والایی برخوردار است. فیلسوفان سیاسی مسلمان از جمله فارابی، ابن سینا و به ویژه خواجه نصیرالدین طوسی، عدالت اجتماعی را مورد توجه خود قرار داده اند.

یکی از درخشانترین تشکیلاتی که تاریخ معاصر افغانستان را چهره دیگری بخشد و برای اولین بار مقوله‌های جدیدی چون انتخابات آزاد، نظام فدرالی، حقوق اقلیت‌ها، عدالت اجتماعی، برابری سیاسی، حقوق زنان و... را وارد ادبیات سیاسی کشور کرد؛ جریانی بود که از سوی شهید عبدالعلی مزاری رهبری می‌شد و در جامعه سر بر افراشته بود. عدالت اجتماعی را با هر تعریفی که اندیشمندان ارائه کرده است چه عدالت به مثابه تناسب که اولین بار در یونان باستان از عدالت به تناسب با طبیعت و فضائل دیگر تعبیر شده است و یا عدالت اجتماعی به مثابه شایستگی و لیاقت و همچنین عدالت اجتماعی به مثابه رعایت تناسب، استحقاق‌ها و شایستگی‌ها و این که عدالت اجتماعی به مثابه مساوات و برابری باشد، می‌تواند با ماهیت این تشکیل همخوانی داشته باشد؛ این است که این جریان را پاسخی در برابر بی‌عدالتی، واکنشی در برابر تبعیض دوام‌دار، اقدامی در جهت آوردن اصلاحات و تلاشی برای همزیستی مسالمت‌آمیز در میان همه اقوام ساکن در این کشور

تاریخ افغانستان در دوسده اخیر مملو از تحولاتی است که بنابر بافت اجتماعی و ساختار برخاسته از استبداد سیاسی آن تا هنوز مورد پژوهش دقیق قرار نگرفته است. هر تحولی در هر مقطعی از تاریخ این کشور به صورت رسمی و از دید نظام‌های حاکم بر سرنوشت مردم به خوانش گرفته شده است. همین امر باعث شده است تا زوایای پیدا و پنهان حوادث و جریان‌هایی که در درازای تاریخ این کشور شکل گرفته‌اند و اغلب یا نادیده گرفته شده‌اند یا به صورت نادرست و به شکل انحرافی و مطابق با خواست نظام حاکم تفسیر شده‌اند، مشخص گردد. عدالت اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین آرمان‌های بشری از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران قرار گرفته است. در اندیشه سیاسی غرب نیز می‌توان طرح مسئله عدالت اجتماعی و اهمیت آن را مشاهده کرد. از ابتدای دوره مدرنیته نیز هر چند که عدالت اجتماعی محوریت خود را در فلسفه سیاسی از دست داد؛ اما همچنان یکی از مباحث مهم در فلسفه سیاسی مدرنیته باقی می‌ماند. اندیشمندان دوران مدرن نیز در بحث‌های خود با رویکرد خاصی به عدالت اجتماعی پرداخته‌اند. در قرن بیستم نیز عدالت اجتماعی همچنان در کانون مباحث فلسفه سیاسی قرار دارد که به عنوان نمونه می‌توان در تئوری «جان راولز»، برجستگی بحث عدالت اجتماعی را مشاهده کرد و همین‌طور در اندیشه

مورد حمایت قرار گیرد. عدالت اجتماعی هر چند یک تعریف خاص ندارد؛ اما یکی از مهم‌ترین اصل‌های نظام مردم‌سالار به شمار می‌رود. عمل کردن مداوم به این اصل حیاتی و در راستای تأمین عدالت اجتماعی گام نهادن؛ نیازمند شجاعت در اظهار حقیقت و ایستادگی در برابر متجاوز به حقوق بشری و حقوق ملی است. شهید مزاری نماد کاملی از مبارزی بود که سر از پا نشناخته برای تحقق عدالت اجتماعی و نهادینه‌سازی حقوق شهروندی مبارزه و تلاش کرد و تا واپسین لحظات حیات پربار خود، لحظه‌ای از تلاش در تأمین عدالت، از پا نایستاد. از نگاه شهید مزاری، شهروندی بدون وابستگی به جامعه که در آن رابطه‌ها، بر وفق حقوق شهروندی برقرار می‌شوند، واقعیت پیدا نمی‌کند. شهروندی یعنی این که خویشتن و دیگر اعضای جامعه را حقوق‌مند می‌شناسد، در همان حال که از بند قیدهای قومی، مذهبی، زبانی و... رها است، به عنوان شهروند یک جامعه، حقوق همه انسان‌های ساکن در یک کشور را لحاظ می‌کند. رفع تبعیض‌ها برای این که مردم و هسته‌های مردمی بتوانند در آزادی و استقلال به کسب دانش پرداخته و آزادانه به کار و زندگی خود مشغول باشند، نیاز به خیزشی داشت که صرف نظر از تعلقات قومی، سمتی و مذهبی در مسیر عدالت اجتماعی برای همگان در حرکت باشد. این خیزش در نهضتی که مزاری به وجود آورده بود به وضوح قابل مشاهده بود. مزاری بارها در مجالس خصوصی و عمومی در کنار این که از حقوق هزاره‌ها به عنوان مصداق کاملی از قربانیان تبعیض و بی‌عدالتی دفاع می‌کرد، از حقوق سایر اقلیت‌های قومی نیز سخن می‌گفت و مشارکت تمامی اقوام ساکن در کشور را یک اصل می‌دانست. مزاری باور داشت تا زمانی که تمامی شهروندان کشور از حقوق مساوی برخوردار نشوند، مشکلات سیاسی و اجتماعی در افغانستان حل نشده و عواقب خطرناکی برای کشور و مردم رقم خواهد خورد. در واقع برداشت رهبر شهید از عدالت اجتماعی با برداشتی که «کارل پوپر» از عدالت اجتماعی در جامعه باز کرده است، هم‌خوانی داشت. «کارل پوپر» پنج مؤلفه را برای تأمین عدالت اجتماعی پیشنهاد می‌کند که این پنج مؤلفه بارها (البته به صورت پراکنده و با ادبیات متفاوت) از سوی رهبر شهید مطرح شده‌اند و رسیدن به عدالت اجتماعی را جز با رعایت این اصول دست‌یافتنی نمی‌دانست.

”

شهید مزاری با درک دقیق نیازهای زمان خویش مواردی را طرح کرد که زمینه‌های زیست مسالمت‌آمیز اقوام مختلف کشور را هموار می‌کرد؛ زیرا مزاری با طرح عدالت اجتماعی خواستار به وجود آمدن نظامی بود که عدالت اجتماعی به معنی کامل خود در آن لحاظ شود و مورد حمایت قرار گیرد.

“

بدانیم؛ اما آن‌طور که باید این جریان عدالت‌خواهی به معرفی گرفته می‌شد، نشده و در جامعه ناشناخته باقی مانده و تلاش‌های زیادی از جانب گروه‌های سیاسی مخالف صورت گرفته است تا به عمد ماهیت این جریان را وارونه جلوه دهند.

موارد بی‌شماری را می‌توان در پیوند به اندیشه و مرام مزاری بر شمرد؛ ولی در این جا صرف مفهوم عدالت اجتماعی در اندیشه شهید مزاری به بحث گرفته می‌شود و مؤلفه‌های اساسی عدالت اجتماعی از دید رهبر شهید مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

بدون تردید یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین حقوق شهروندی و یکی از بارزترین نیازهای بشری، برخورداری از عدالت اجتماعی و زیستن در روشنایی عدالت و برابری است؛ ولی از آن جا که همواره در طول تاریخ عده‌ای بوده‌اند که دسترسی به عدالت اجتماعی را محدود ساخته و عده‌ای زورمدار، عده‌ای دیگر را مورد ظلم قرار داده‌اند و حقوق اساسی و انسانی آنان را پایمال کرده‌اند، رسیدن به عدالت اجتماعی و ترسیم جامعه‌ای مبتنی بر ارزش‌های انسانی، توأم با مبارزات سیاسی بوده است.

شهید مزاری با درک دقیق نیازهای زمان خویش مواردی را طرح کرد که زمینه‌های زیست مسالمت‌آمیز اقوام مختلف کشور را هموار می‌کرد؛ زیرا مزاری با طرح عدالت اجتماعی خواستار به وجود آمدن نظامی بود که عدالت اجتماعی به معنی کامل خود در آن لحاظ شود و



## این پنج مؤلفه یا اصل قرار ذیل اند:

- الف. توزیع برابر با شهروندی، یعنی آن گونه محدودیت‌ها که در زندگی اجتماعی در مورد آزادی لازم است.
  - ب. سلوک مساوی با شهروندان در برابر قانون.
  - ج. قوانین خود ترجیح و یا تبعیضی در مورد هیچ شهروند یا گروه یا طبقه قایل نگردد؛
  - د. بی طرفی محاکم عدلیه.
  - ه. بر خورداری از سهم مساوی یعنی مزایایی که شهروند به علت عضویت در یک کشور می تواند دریافت کند.
- شهید مزاری در طول سال‌های مبارزه خود همواره این اصول را با شعارهای «همه دارای حقوق مساوی اند»، «نمی‌خواهیم هزاره بودن یا ازبیک بودن در این سرزمین جرم باشد»، «هیچ کسی بر کسی دیگر برتری ندارد.» و ده‌ها شعار دیگری که عدالت را فریاد می‌زد، در دستور کار قرار داد و برای رسیدن به عدالت اجتماعی و زندگی مسالمت‌آمیز از هیچ تلاشی دریغ نکرد.

استاد مزاری عدالت اجتماعی را نه به عنوان یک هدف بلکه به عنوان یک معیار برای ارزیابی و سنجش پندارها و گفتارها دنبال می‌کرد. رسیدن به عدالت اجتماعی از دید رهبر شهید به معنی از بین رفتن فاصله میان وعده‌های داده شده و کارهای انجام داده شده بود. نظامی که می‌بایست بر پایه عدالت اجتماعی استوار می‌بود؛ نظامی بود که در آن حقوق اقلیت‌ها نه در قالب تفاهم‌نامه‌ها و وعده‌های سیاسی که در میدان عمل مورد توجه قرار می‌گرفت. مزاری بارها شعارهای داده شده از سوی سران احزاب سیاسی در افغانستان را با عملکردهای احزاب ناهماهنگ و متضاد دانسته و ریشه‌های بسیاری از مشکلات را در تفوق طلبی‌ها و برتری جویی‌های قومی می‌دانست. از این‌رو، طبیعی بود که جز با عدالت اجتماعی و برابری حقوق شهروندی راه حل دیگری قابل تصور نبود. از سویی دیگر، نظام‌هایی که در افغانستان وجود داشت؛ چه در ادوار گذشته که نظام شاهی بود و چه در دوران جنگ‌های داخلی که مبتنی بر زورمداری و جنگ بود، هیچ کدام نماینده مردم به شمار نمی‌رفتند و در نتیجه نمی‌توانستند عدالت اجتماعی را تأمین کنند. برای تأمین عدالت اجتماعی به نظامی نیاز بود که برخاسته از اراده عموم باشد و اراده عموم ملت را تمثیل کند. مزاری با درک این نیازمندی،

”

استاد مزاری عدالت اجتماعی را نه به عنوان یک هدف بلکه به عنوان یک معیار برای ارزیابی و سنجش پندارها و گفتارها دنبال می‌کرد. رسیدن به عدالت اجتماعی از دید رهبر شهید به معنی از بین رفتن فاصله میان وعده‌های داده شده و کارهای انجام داده شده بود.

“

انتخابات را به عنوان بهترین گزینه برای حل بحران افغانستان پیشنهاد کرد و ساختار داخلی حزب وحدت را نیز بر بنیاد انتخابات بنیان گذاشت. در واقع نوع نگاه شهید مزاری در مورد ساختار نظام، برگرفته از فلسفه‌ای بود که ریشه در اندیشه‌های «روسو» داشت. از دیدگاه روسو، یک حکومت خوب تنها موظف به برآورده کردن منافع مجموعه‌ای از افراد، همچنان که «جان لاک» به آن معتقد بود، نیست و مضاف بر این و بر خلاف دیدگاه «هابز» در این زمینه، چنین حکومتی تنها خادم منافع یک دولت نمی‌تواند باشد؛ بلکه مقید به رسیدگی به منافع همه مردم به عنوان یک کلیت است. حکومت مطلوب روسو، می‌بایست نماینده اراده عام باشد.

بنابراین، آن‌چه که شهید مزاری را مزاری ساخت این بود که او عملاً به این شاهکار تاریخی برای اولین بار در افغانستان اقدام کرد که باید تمامی اقوام ساکن در کشور به تناسب شعاع وجودی‌شان در قدرت سهیم باشند و این خواسته مزاری جز از طریق انتخابات آزاد و عدالت اجتماعی غیر قابل دسترس بود و هست؛ اما صد حیف که دجالان خون‌آشام، این مجال را نداد تا این قافله به سر منزل مقصود برسد و عدالت اجتماعی در جامعه انسانی و اخلاقی تحقق پیدا کند.